

شرح رساله حقوق

امام سجاد در مورد حق فرج و اینکه این حق باید در مسیر حرام از آن استفاده نشود «و اما حق فرجک فحفظه مما لا یحل لک» باید از هر حرامی اجتناب شود، این حرام به هر طریقی که می خواهد باشد، دیگر معلوم است و در طریق حلال نیز باید اعتدال رعایت شود.

راه های کمک به رعایت حق عورت

در ادامه راه های استعانت و کمک کردن را به حفظ این حق را بیان می کند. این حق مهمی است، اینکه در استفاده از این عضو نه به حرام بیفتد و نه در حلال افراط کند، ضمن اینکه تفریط هم نباید بکند. ولی چهار طریق برای کمک به حفظ این حق و رعایت این حق بیان می کنند.

راه اول (غض بصر)

می فرماید «الاستعانه علیه بغض البصر؛ فانه من اعون الاعوان» می فرماید برای رعایت این حق از چند چیز باید کمک بگیری، یکی «غض بصر» است. غض بصر چنانچه در آیه «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ»^۱، و همچنین «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»^۲ آمده است یعنی هم زنها و هم مردها موظف به غض بصرند، غض البصر به معنای بستن چشم نیست، در شرح این آیه قبلا گفتیم که غض البصر یعنی افتادن پلک یعنی فرو بردن نگاه و خیره نشدن و زل نزدن، یعنی به بیش از مقدار ضرورت نگاه نکنید، اینکه می فرماید مومنین و مومنات باید غض بصر داشته باشند معنایش این نیست چشمش را ببندد و با چشم بسته در خیابان راه برود؛ بعضی غض البصر را اینطور معنا می کنند؛ نه منظور انداختن پلک، نگاه را به پایین بردن، نگاه همراه با حیا و شرم، این در واقع نهی می کند از اینکه در نگاه کردن زل نزنید، کسی صحبت می کند نگاه می کند، اما این نگاه در حد و اندازه لازم باشد نه اینکه زل بزند و خیره شود، این سفارش قرآن است و بحثی در آن نیست.

غض بصر مهم ترین راه حفظ عورت

نکته مهم در این جمله این است که حضرت می فرماید این من «اعون الاعوان» است. یعنی کلیدی ترین عامل در حفظ فرج از حرام، مهمترین عنصر در نگه داری شهوت و رعایت عفت، چشم و نگاه است چرا؟ ما قبل از اینکه به کیفیت تأثیر گذاری چشم در این امر اشاره کنیم باید اهمیت آن را بیان نماییم چرا چشم اینقدر مهم است چرا حضرت فرمود اعون الاعوان، بالاترین کمک کننده به انسان در این مسیر، در حفظ فرج عن مما لا یحل لک.

انسان از سایر موجودات و حیوانات به خصوص ممتاز شده است به خاطر قوه درک و فهم و عقلش. یعنی انسان یک نیرویی دارد که به کمک آن می تواند معرفت و آگاهی داشته باشد و این را فراتر ببرد. راه های درک معارف و حقائق و تفکر، حواس پنج گانه ظاهری انسان است، با این حواس انسان می تواند دریافت هایی از محیط پیرامونش داشته باشد با شنیدن با دیدن با لمس کردن و بوییدن و چشیدن، مجموعاً این ذهن را پر می کند از معلومات. آن وقت این معلومات را در هم می آمیزد و شروع می کند به کشف مجهول، یعنی این حواس پنج گانه در واقع راه ها و پنجره های اطلاعات به مغز انسان است شما الان کامپیوتر را نگاه کنید، ابتدا

^۱ سوره نور، آیه ۳۰.

^۲ سوره نور، آیه ۳۱.

باید به کامپیوتر اطلاعات وارد شود تا بعد تجزیه و تحلیل کند ولی تجزیه و تحلیل داده بدون ورود اطلاعات نمی شود. انسان تیز باید اطلاعات وارد ذهنش بشود و بعد شروع کند به تجزیه و تحلیل و بعد کشف کند.

در میان وسائلی که انسان به وسیله آنها انسان معرفت و اطلاعات کسب می کند، دو عضو از همه مهمتر است گوش و چشم. گوش و چشم است که انسان را وارد فضای کشف مجهولات می کند، با شنیدن و گوش کردن، برای همین است که امام علی(ع) می فرماید «القلب مصحف البصر»^۱ قلب کتاب دیده است؛ یعنی هر چه انسان می بیند بر آن کتاب نقش می بندد، یا در یک تعبیر دیگری حضرت علی(ع) می فرماید «الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِيدُ الْعَقْلِ»، چشم جاسوس دل و قاصد عقل است، پیام رسان عقل است. چشم است که می گیرد، می برد به عقل می دهد و عقل تجزیه و تحلیل می کند، چشم است که آن اطلاعات و موارد را بر قلب قرار می دهد. پس چشم یک دوربین با دیدن تصاویر را بر قلب و دلش و عقلش منعکس می کند و در آنجا ثبت و ضبط می کند، مهم است که چی ببیند. این تازه یک مرحله است.

بعد از اینکه این تصویر برداری توسط چشم انجام می شود تازه کار دل و عقل شروع می شود و تازه اول کار آنهاست، اول فعالیت آنهاست، تجزیه و تحلیل می کنند و از دل آن تصویر تصویرها می سازند از دل آن صدا، صداها می سازند، از دل آن اطلاعات هزاران اطلاعات یا به صورت تخیل یا تفکر یا امثال اینها پدید می آورد. یعنی با چشم یک عکس گرفته می شود ولی از دلش ده ها عکس و تصویر اینها در خیال و ذهن انسان متولد می شود. حال این منحصر در امور حسی نیست، حتی ممکن است انسان یک صحنه اخلاقی، انسانی ببیند، فرق نمی کند، همه چیزهای خوب و بد مخلوط است، هر چیزی که چشم ببیند می رود داخل قلب و عقل و عقل می تواند این کارها را با آن بکند، گوش هم همینطور یک حکمت بشنود یا زمزمه شیطانی خیلی فرق می کند مهم این دروازه هایی است که اگر شما بازش بگذارید این اطلاعات وارد قلب و روح انسان می شود و آن را بالا و پایین می کند. حال با توجه به اینکه این آغاز ورود اطلاعات به مغز و قلب انسان است، این گلوگاه اگر کنترل شود خیلی چیزها حل می شود. اینکه می فرماید «اعون الاعوان» برای این است که این دروازه اگر باز شود، منظره شهوت انگیز ببیند عقل و دل او، عقل به معنای عامش از این تصویر و نظر، مخصوصا اگر پای شیطان وسط بیاید هزاران تصویر ساخته می شود و هزاران گناه می تواند از دل این در بیاید یعنی یک نگاه باعث شود که این به سمت و سویی برود که نباید برود.

«الحمد لله رب العالمين»